

یارانه‌ها و هزینه فرصت

دکتر فرخ قبادی - دکتر رضا مبصری

یکی از کلیدی‌ترین مفاهیم اقتصادی است. هزینه فرصت را می‌توان به شیوه‌های گوناگون تعریف کرد که البته همه آنها در نهایت یک معنا را می‌رسانند. رایج‌ترین تعریف این مفهوم را می‌توان چنین بیان کرد؛ هزینه فرصت هر کار (یا هر انتخاب) ارزشمندترین کار (یا انتخاب) دیگری است که اگر آن کار (یا انتخاب) را نمی‌کردید، نصیبتان می‌شد.

اگر شما ۱۰ میلیون تومان پول دارید و آن را در بازار بورس سرمایه‌گذاری می‌کنید و در پایان سال ۱۲ درصد سود می‌برید، در واقع زیان کرده‌اید؛ زیرا با سپردن همین پول به بانک، به‌طور قطع ۱۸ درصد سود می‌بردید. ۱۸ درصد سود مطمئن بانک، هزینه فرصتی است که با سرمایه‌گذاری در بورس آن را از دست داده‌اید. هزینه فرصت در اصل ناشی از محدود بودن منابع (کمیایی) و نامحدود بودن خواسته‌ها یا نیازها است که نوعی انتخاب را ناگزیر می‌سازد.

هم خانوارها، هم بنگاه‌های تولیدی و هم دولت‌ها همواره با انتخاب میان گزینه‌های مختلف و در نتیجه با ارزیابی هزینه فرصت مواجهند. اما از آنجا که هزینه فرصت «لموس» نیست و به بیان دیگر «به چشم نمی‌آید»، به‌رغم اهمیت آن، در بسیاری موارد مورد غفلت قرار می‌گیرد. فرض کنید فردی ۲ هکتار **زمین** زراعی از **پدر** خود به ارث برده و در آن گندم کاشته است. هزینه کاشت و داشت و برداشت برایش هکتاری ۱/۵ میلیون تومان خرج داشته است و در نتیجه برای ۲ هکتار زراعت، ۳ میلیون تومان هزینه کرده است. فرض کنید این کشاورز از زمین خود ۴ تن گندم برداشت می‌کند و آن را از قرار هر کیلو ۱۷۰۰ تومان به **دولت** می‌فروشد و ۶/۸ میلیون تومان به دست می‌آورد (۴۰۰۰×۱۷۰۰=۶,۸۰۰,۰۰۰). از دیدگاه کشاورز مورد بحث ما، او در پایان سال ۳/۸ میلیون تومان سود برده است. یکی از دوستانش که حسابدار است نیز سود ۸/۳ میلیونی را تایید می‌کند.

توجه به هزینه فرصت، ارزیابی آنها را تغییر خواهد داد. این کشاورز می‌توانست زمین خود را از قرار هر هکتار ۲/۵ میلیون تومان اجاره دهد و بدون دردسر ۵ میلیون تومان دریافت کند. اما معمولاً کشاورزانی که زمین متعلق به خودشان است، هزینه فرصت زمین (در این مثال یعنی حداقل ۵ میلیون تومان) را به حساب نمی‌آورند؛ زیرا پولی برای آن پرداخت نکرده‌اند. در شرایطی که توصیف شد کشاورز ما صرف‌نظر از زحمات خودش (که البته آن هم هزینه فرصتی دارد)، ۱/۲ میلیون تومان هم زیان کرده است؛ اما با غفلت از هزینه فرصت، به خیال خود ۳/۸ میلیون تومان نیز سود برده است. توصیه یک کارشناس اقتصادی به این کشاورز، اجاره دادن زمین به ارث رسیده او است.

توجه به هزینه فرصت برای دولت نیز آموزنده خواهد بود. نه تنها امروز که به علت تحریم‌ها درآمدهای دولت کاهش یافته، بلکه در همه حال بودجه دولت با محدودیت درآمدی مواجه است. این **بودجه** محدود همواره مدعی‌هایی دارد که پاسخگویی به همه آنها معمولاً در توان دولت نیست. در حقیقت، به‌رغم کسری‌های همه ساله بودجه، دولت ناگزیر از اولویت‌بندی و تامین مالی برخی نیازها و چشم‌پوشی از نیازهای دیگر است. در این رابطه توجه به هزینه فرصت هر اقدام قاعدتاً باید راهنمای سیاست‌گذاران باشد. با توجه به محدود بودن

درآمدها، هزینه فرصت افزایش هر یک از اقلام بودجه، ارزشمندترین پروژه دیگری است که می‌توانست با دریافت آن مبلغ به اجرا درآید.

اینها را گفتیم تا روشن شود که بنزینی که به قیمت یک‌هزار تومان به من و شما فروخته می‌شود، هزینه فرصتی دارد که حداقل معادل ۱۰ برابر قیمت فروش آن در **ایران** است. این نکته که بنزین متعلق به خودمان است، در این واقعیت تغییری نمی‌دهد که ارزش این **بنزین** (یعنی هزینه فرصت آن) هر لیتر ۰/۹۴ دلار است که با **دلار** ۱۱,۵۰۰ تومانی به ۱۰,۸۱۰ تومان بالغ می‌شود. اینکه دولت ما باید چنین «یارانه‌ای» به ساکنان کشور بدهد یا ندهد مقوله دیگری است که سیاستمداران در مورد آن تصمیم‌گیری می‌کنند. اما سیاستمداران باید از هزینه فرصت بنزین آگاه باشند و بدانند که با قطع یا کاهش این یارانه، چه برنامه‌هایی می‌توانست به اجرا درآید. با توجه به هزینه فرصت، سیاستمدار خواهد دانست که اگر فقط ۱۰ درصد از مصرف روزانه بنزین در کشور کاسته شود، هر روز ۹ میلیون لیتر بنزین صرفه‌جویی می‌شود که ارزش سالانه آن به رقمی در حدود ۳۵/۵ هزار میلیارد تومان بالغ می‌شود.

البته بنزین تنها کالایی نیست که بی‌توجه به هزینه فرصت آن، به قیمت‌های پایین در کشور ما فروخته می‌شود. چند هفته پیش آژانس بین‌المللی انرژی (IEA) آماری درمورد یارانه **انرژی** در کشورهای مختلف **جهان** (مربوط به سال ۲۰۱۸) منتشر کرد که کشور ما با ۶۹/۲ میلیارد دلار (برای «یارانه» بنزین، **برق** و گاز) در صدر همه کشورها قرار داشت. براساس این آمار، **یارانه** انرژی در کشور ما حتی از کشور ۱/۳ میلیارد نفری **چین** هم بیشتر است. ۴ **یارانه انرژی** در کشور ما به ۱۵ درصد تولید ناخالص داخلی کشور بالغ می‌شود. (این رقم برای **عربستان سعودی** ۶ درصد و برای چین نزدیک به صفر درصد است). این نکته نیز گفتنی است که سهم اقشار پردرآمد از یارانه بنزین و برق بسیار بیشتر از سهم اقشار کم‌درآمد است.

درمورد بنزین، محاسبات **سازمان برنامه و بودجه** نشان می‌دهد که سهم دهک دهم (پردرآمدترین) از یارانه بنزین تقریباً ۱۷ برابر دهک اول (کم‌درآمدترین) است. ۵.

اما فروش انرژی به قیمت‌های نازل تنها موردی نیست که دولت ما در پرداخت یارانه سخاوتمندی به خرج می‌دهد. براساس محاسبات مرکز پژوهش‌های مجلس، پرداخت دلار ۴۲۰۰ تومانی که در آغاز با فساد آشکار همراه بود و هم‌اکنون نیز با **رانت خواری** عجین است و ضمناً به هدف اصلی‌اش نیز دست نیافته، سالانه ۴۲ هزار میلیارد تومان از منابع دولت را می‌بلعد. ۶.

یارانه دیگری که دولت ما پرداخت می‌کند «یارانه نقدی» به همه شهروندان است که به ۴۱/۱ هزار میلیارد تومان در سال بالغ می‌شود. ۷. به‌رغم بی‌عدالتی در توزیع همگانی این یارانه و با وجود درخواست‌های مکرر دلسوزان برای **حذف یارانه** نقدی ثروتمندان، دولت هنوز به این سیاست عجیب ادامه می‌دهد. یارانه نقدی «اضافاتی» هم دارد که در جدول (۱) آمده است و بالاخره، براساس آمار دولتی، «یارانه گندم و نان» برای دولت ۶/۱ هزار میلیارد تومان در سال هزینه دارد. علاوه‌بر اینها، اینجا و آنجا یارانه‌های دیگری نیز پرداخت می‌شود که آمار آن در **جدول** آمده است. ۸.

خلاصه کلام اینکه دلارهایی که به قیمت ارزان در اختیار تعدادی واردکننده قرار می‌گیرد یا پول نقدی که هر ماه میان مردم توزیع می‌شود و باری برق و **گاز** و بنزینی که به قیمت‌های غیرواقعی فروخته می‌شوند، جملگی

هزینه فرصتی دارند که برابر با ارزشمندترین کاری است که دولت با توقف یا کاهش این پرداخت‌ها، می‌توانست انجام دهد. براساس نرخ ۱۱,۵۰۰ تومانی برای دلار، مجموع «یارانه‌های» پرداختی در ایران (۹۷۸,۵۴۱ میلیارد تومان)، به بیش از ۸۵ میلیارد دلار بالغ می‌شود. اینکه با این مبلغ یا بخشی از این مبلغ، چه تحولاتی می‌توان در **اقتصاد** کشور پدید آورد، دست‌کم نیاز به تامل و هم‌اندیشی دارد. اینکه پرداخت این یارانه‌ها چه بر سر قیمت‌های نسبی و از آن طریق بر تخصیص منابع در **اقتصاد کشور** می‌آورد و اینکه پول‌پاشی‌های بی‌منطق چه ارتباطی با رانت‌خواری و فساد گسترده در کشور ما دارد و بالاخره اینکه چگونه می‌توان این روند خسارت‌بار را متوقف یا تعدیل کرد، در بخش دوم این مقاله مورد بحث قرار خواهد گرفت.

پاورقی‌ها

۱- Opportunity Cost

۲ - سود حسابداری (Accounting Profit) برابر است با **درآمد** کل منهای کل هزینه‌های پرداخت شده. اما سود اقتصادی

(Economic Profit) برابر است با کل درآمد منهای هزینه‌های پرداخت شده (یا آشکار) به‌علاوه هزینه‌های ضمنی (هزینه فرصت). برای توضیحات بیشتر و مثال‌ها در مورد تفاوت این دو مفهوم ن.ک. به Investopedia.com

۳ - میانگین قیمت عمده‌فروشی جهانی بنزین هر لیتر ۰/۹۴ دلار است که با دلار ۱۱,۵۰۰ تومان به ۱۰,۸۱۰ تومان بالغ می‌شود. حتی در کشورهای همسایه ما که آنها نیز به بنزین یارانه می‌دهند، یعنی کشورهای عراق، افغانستان، پاکستان، ترکیه، امارات‌متحده و ارمنستان، میانگین قیمت خرده‌فروشی هر لیتر بنزین تقریباً ۹ برابر ایران است. در کشورهای پیشرفته اروپایی قیمت ۱/۶ تا ۲/۲ دلار است. ن.ک. به <https://www.iea.org/statistics/prices/> برای مشاهده قیمت‌های خرده‌فروشی در کشورهای مختلف ن.ک.

به پانویس ۴

۴- https://www.globalpetrolprices.com/gasoline_prices/

۵ -نقل شده در دنیای اقتصاد. ۹۸ /۴ /۴

۶ -نقل شده در دنیای اقتصاد. ۹۷ /۱۱ /۷

۷ -دنیای اقتصاد. ۹۷ /۱۲ /۸

۸ - مشروح یارانه‌های پرداختی دولت در سایت

<http://namnak.com> ۸ اسفند ۱۳۹۷ به قلم آمده است.

۹ -مشروح یارانه‌های.....پیشین.

جدول (۱)، جمع «یارانه‌ها» در ایران

سایر	«مصارف هدفمندی»	یارانه	بنزین	برق	گاز	جمع کل
یارانه‌ها ^۱	شامل یارانه نقدی	دلار ۴۲۰۰ تومانی	هزینه فرصت	هزینه فرصت	هزینه فرصت	«یارانه‌ها»
میلیارد تومان	میلیارد تومان	میلیارد تومان	میلیارد تومان	میلیارد تومان	میلیارد تومان	میلیارد تومان
۷۸,۰۷۹	۶۲,۶۶۲	۴۲,۰۰۰	۳۰۵,۹۰۰	۱۹۰,۹۰۰	۲۹۹,۰۰۰	۹۷۸,۵۴۱

(ارقام دلاری به نرخ هر دلار برابر با ۱۱,۵۰۰ تومان به تومان تبدیل شده‌اند.)